

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

دوره ۱۷، شماره ۲ (پیاپی ۳۳)، صفحات: ۷۰-۵۳

مقاله علمی پژوهشی

بررسی تاریخی نقش ابوالرضا راوندی در روایت نهج البلاغه

محمود صادقی علوی*

چکیده

استقرار حکومت سلاجقه بر بیشتر نقاط جهان اسلام بعد از انقراض آل بویه تا حدود زیادی عرصه را بر عالمان شیعی برای ترویج و انتقال میراث شیعی تنگ کرد. این پژوهش بر آن است تا با بررسی اسناد و منابع موجود بیان کند ابوالرضا راوندی به عنوان یکی از علمای شیعه شهر کاشان در قرن ششم هجری و هم‌زمان با غلبه سلاجقه سنی مذهب بر قسمت بزرگی از جهان اسلام، چه نقشی در روایت نهج البلاغه به عنوان یکی از مهم‌ترین میراث شیعی داشته است. این پژوهش بر مبنای منابع کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی، متون و منابع مرتبط با موضوع را بررسی نموده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد در شرایطی که سلاجقه سنی مذهب در کنار خلفای عباسی بر جهان اسلام غلبه داشته و نه تنها حمایتی از علمای شیعه نداشتند بلکه محدودیت‌هایی نیز برای شیعیان ایجاد می‌کردند، علمایی همچون ابوالرضا راوندی با مسافرت به شهرهای مختلف و بهره‌گیری از علما و همین‌طور استفاده از نسخ مختلف نهج البلاغه در سایه حمایت رجال متمول و قدرتمند شیعه در این دوره با استنساخ و روایت این اثر شیعی برای دیگر معاصران و شاگردان خود نقش مؤثری در انتقال و ترویج این میراث ارزشمند شیعی در دوره غلبه سیاسی اهل سنت بر جهان اسلام داشته است.

کلیدواژه‌ها: ابوالرضا راوندی، نهج البلاغه، سلاجقه، تاریخ تشیع، کاشان.

* استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران/ alavi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۲

۱. مقدمه

در طول تاریخ تشیع، عموماً در دوره‌هایی که حکامی شیعه‌مذهب قدرت سیاسی را در اختیار داشتند و از علمای شیعه حمایت می‌کردند، علمای شیعه با حمایت این حکام موفق به ترویج و توسعه فرهنگ شیعی در قالب‌های گوناگون می‌شدند. نمونه برجسته این موارد را می‌توان در دوره حکومت آل‌بویه و صفویان مشاهده کرد. در دوره‌هایی که حکام اهل سنت بر جهان اسلام تسلط و فرمانروایی داشتند، طبیعتاً فعالیت علمی گسترده و قابل توجه برای علمای شیعه چندان مقدور نبود. حمایت آل‌بویه از مذهب تشیع و حمایت آن‌ها از علمای این مذهب باعث شد تا در این دوره و در سایه حمایت شاهان شیعی، علمای شیعه به احیای بسیاری از آثار و منابع شیعی پردازند به‌طوری‌که دوره استقرار حکومت آل‌بویه را می‌توان یکی از شکوفاترین دوران‌ها در احیای میراث فرهنگی شیعه دانست؛ چراکه پیش از آن غلبه گسترده اهل سنت بر جهان اسلام اجازه چنین فعالیت‌هایی به علمای شیعه نمی‌داد. انقراض حکومت آل‌بویه و به دنبال آن استقرار سلاجقه در جهان اسلام، دوره جدیدی را برای شیعیان در تاریخ اسلام رقم زد. حمایت حکام این سلسله از مذاهب اهل سنت و به دنبال آن تنگ شدن عرصه بر شیعیان، محافظت و انتقال میراث شیعی را که در دوره آل‌بویه گسترش یافته بود، با مشکلات و سختی‌های فراوان همراه می‌کرد.

یکی از دستاوردهای ارزشمند شیعیان در دوره آل‌بویه گردآوری نهج‌البلاغه توسط سید رضی بود. اهمیتی که این کتاب به تدریج در میان شیعیان پیدا کرد، باعث شد تا بعد از قرآن کریم به‌عنوان دومین کتاب مذهبی مورد توجه شیعیان باشد. در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام غلبه حاکمان اهل سنت بر جهان اسلام، انتقال دانش و فرهنگ شیعی از نسلی به نسل دیگر را با مشکلات فراوان مواجه می‌کرد. شرایطی که برای شیعیان در دوره غلبه سلاجقه بر جهان اسلام وجود داشت، اهمیت حفظ و استنساخ این سرمایه‌های ارزشمند شیعی را دوچندان می‌کرد. پژوهش در رابطه با موضوع این مقاله از آن‌رو اهمیت دارد که در این دوره تاریخی با وجود غلبه حکامی سنی‌مذهب، برخی علمای شیعه با وجود سختی‌های فراوان و عدم حمایت حکام وقت در جهت انتقال میراث فرهنگی شیعه تلاش کردند. مسئله مورد توجه در این پژوهش بررسی تاریخی نقش ابوالرضا راوندی در روایت نهج‌البلاغه به‌عنوان یکی از میراث ارزشمند شیعه در دوره غلبه حکام سنی‌مذهب سلاجقه است و سؤالی که این پژوهش بر مبنای آن انجام شده، این است که ابوالرضا راوندی در این دوره چه نقشی در روایت نهج‌البلاغه داشته است. در چنین شرایط سیاسی حاکم بر جهان اسلام، شخصیتی چون ابوالرضا راوندی که تربیت‌یافته مکتب اهل‌بیت(ع) در شهر شیعی کاشان بود،

اقدامات ارزشمندی در جهت روایت نهج البلاغه انجام داد که در این مجال مورد توجه قرار خواهد گرفت. این مسئله بر این فرضیه استوار است که ابوالرضا راوندی با حمایت مادی و معنوی افراد ذی نفوذ و متمول شیعه در کاشان که به رغم غلبه سلاجقه سنی مذهب، همچنان به واسطه پیشینه تشیع در این شهر دارای نفوذ و اقتدار بودند، به شهرهای مختلف از جمله اصفهان مسافرت و پس از دریافت مهم ترین روایات نهج البلاغه، آن را برای شاگردان و نسل بعدی شیعیان روایت کرد. شهر اصفهان در این دوره از جهتی به سبب نزدیکی جغرافیایی به شهر کاشان و از جهت دیگر به دلیل حضور برخی راویان برجسته نهج البلاغه در این شهر مورد توجه خاص ابوالرضا راوندی در روایت نهج البلاغه بوده است (ر.ک: جزینی، ۱۳۹۸: ۷۸) درخصوص کتاب نهج البلاغه توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که اگرچه از نهج البلاغه به عنوان یک میراث شیعی یاد می شود، این کتاب به دلیل جنبه ادبی اش و جایگاه حضرت امیر(ع)، بین اهل سنت هم جایگاه خاصی دارد و حداقل در دوره مورد نظر این تحقیق برخی از علمای اهل سنت نیز توجه ویژه ای به این کتاب داشته اند و چنان که بیان خواهد شد، برخی از استادان ابوالرضا راوندی در روایت نهج البلاغه همچون ابن الخوه و ابونصر غازی، از علمای بزرگ اهل سنت در این دوره هستند (همان: ۸۱-۸۳). در این پژوهش با روش تحلیلی و تطبیقی، منابع مرتبط با موضوع مورد تحقیق بررسی شده و ضمن بررسی پیشینه تحقیق های انجام شده مرتبط با این موضوع، نقش تاریخی ابوالرضا راوندی در روایت نهج البلاغه در دوره مورد نظر بررسی و تحلیل شده است.

۲. پیشینه تحقیق

ابوالرضا راوندی شخصیتی علمی است که آثار و فعالیت های او در حوزه های مختلف درخور توجه و اهمیت است. اگرچه درباره وی و آثار او پژوهش هایی انجام شده، آن طور که شایسته این شخصیت علمی باشد، پژوهش های مطلوبی انجام نشده است. پژوهش های انجام شده درخصوص ابوالرضا راوندی در رابطه با حوزه های مختلف مثل زندگی نامه، روایت احادیث، ادبیات عرب، جغرافیای تاریخی کاشان و مواردی شبیه به این موضوع است. برخی از پژوهش های جدید نیز در مورد نسخه های مختلف نهج البلاغه است؛ از جمله کتاب درآمدی بر شناخت نسخه های نهج البلاغه از محمدکاظم رحمتی (۱۳۹۷) که در قسمتی از این کتاب به موضوع نسخ نهج البلاغه از ابوالرضا راوندی پرداخته شده است. محمد سلامی راوندی (۱۳۹۶) در پایان نامه ای با عنوان بررسی ویژگی های حوزه حدیثی امامیه کاشان تا پایان قرن ششم هجری تا حدودی به جایگاه حدیثی ابوالرضا راوندی پرداخته است. نگارنده مقاله حاضر (۱۳۹۹) در مقاله «دیوان ابوالرضا راوندی تاریخ

محلی کاشان در قرن ششم هجری» جنبه‌های تاریخی دیوان ابوالرضا راوندی را بررسی کرده است. سید حسن موسوی بروجردی (۱۴۳۳ق) در مقاله‌ای به بررسی نسخ *نهج البلاغه* به روایت ابوالرضا راوندی پرداخته است. همچنین آقای علیرضا صحیحی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای، اغراض شعری در دیوان ابوالرضا راوندی را بررسی نموده است. محمدمهدی صباغی مرقی (۱۳۹۹) در پایان‌نامه‌ای با عنوان *بازشناسی شخصیت و آثار سید ابوالرضا راوندی از جنبه حدیثی و قرآنی*، شرح حال و آثار این عالم بزرگوار را معرفی کرده و آن را در قالب کتابی با عنوان *علامه سید ابوالرضا راوندی: بازشناسی شخصیت و آثار سید ابوالرضا راوندی از جنبه حدیثی و قرآنی* در سال ۱۴۰۲ در انتشارات ارمغان ادب چاپ کرده است. سید امیر الیاس موسوی (۱۳۹۹) در *پایان‌نامه نقش رجال راوندی در کاشان عصر سلاجقه*، اشاراتی هم به ابوالرضا راوندی دارد و خانم هاشمی (۱۴۰۲) نیز در *پایان‌نامه نقش ابوالرضا راوندی در تاریخ تشیع* به بیان شرح حال و آثار این شخصیت پرداخته است. آقای لطفی (۱۴۰۲) نیز در *پایان‌نامه‌ای نقش ابوالرضا راوندی در روایت نهج البلاغه* را بررسی نموده است. اما در رابطه با موضوع مورد توجه این پژوهش تا آنجا که نگارنده بررسی کرده، تاکنون هیچ پژوهش مستقلی به‌ویژه از حیث بررسی تاریخی انجام نشده است. در این پژوهش سعی شده تا با بیان شرایط سیاسی حاکم بر جهان اسلام در دوره حیات ابوالرضا راوندی، نقش این عالم شیعی به‌لحاظ تاریخی در روایت این اثر گران‌قدر شیعی بررسی گردد.

۳. نگاهی به وضعیت سیاسی و اجتماعی کاشان در دوره حیات ابوالرضا راوندی

پیشینه تشیع شهر کاشان به قرون نخستین هجری برمی‌گردد (ر.ک: یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۴: ۲۹۶؛ شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۱: ۸۶-۸۷ قمی، ۱۳۸۵: ۲۱۶، ۳۲۱ و ۵۹۶؛ جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۱۰) و از این‌رو شهر کاشان از شهرهای باسابقه در تاریخ تشیع است. سابقه تشیع این شهر باعث شده تا در دوره‌های مختلف عالمان شیعه برجسته‌ای در این شهر برخاسته و در جهت تبلیغ فرهنگ شیعی به تلاش بپردازند (ر.ک: نجاشی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۴۷؛ صادقی، ۱۳۸۶: ۱۲۷-۱۳۵).

انقراض حکومت شیعی آل‌بویه و استقرار حکومت سلاجقه در ایران یکی از دوره‌های بااهمیت در رابطه با تاریخ شهر کاشان را رقم زد. از آنجاکه سلاجقه سنی‌مذهب بودند، طبیعتاً نظر مثبتی به مناطق شیعه‌نشین از جمله کاشان نداشتند. برای بررسی شرایط سیاسی و اجتماعی کاشان در دوره سلاجقه شاید به‌جرت بتوان ادعا کرد هیچ منبعی در این رابطه دقیق‌تر و گویاتر از دیوان ابوالرضا راوندی نیست. این کتاب اگرچه یک دیوان شعر است، براساس اطلاعاتی که در رابطه با جوانب مختلف تاریخی کاشان در این دوره در اختیار ما قرار می‌دهد، می‌توان این کتاب را تاریخ محلی



کاشان در دوره سلاجقه نامید (ر.ک: صادقی علوی، ۱۳۹۹: ۷۱-۹۰)؛ اطلاعاتی که بسیاری از آن در هیچ منبع تاریخی دیگری در این دوره مورد توجه قرار نگرفته است.

ضیاءالدین ابوالرضا فضل الله بن علی حسنی راوندی در حدود سال ۴۸۳ق در راوند در نزدیکی کاشان به دنیا آمد (مرعشی نجفی، بی تا: ۴۵؛ قاسم پور و سلامی، ۱۳۹۸: ۵۶). در رابطه با تاریخ وفات این عالم بزرگ اقوال متفاوتی ذکر شده و از سال ۵۶۳ق تا ۵۷۴ق را برای سال وفات او ذکر کرده اند (ر.ک: مرعشی نجفی، بی تا: ۴؛ مهریزی، ۱۳۷۸: ۵۴-۵۵). از این رو می توان راوندی را از علمای بزرگ شیعه در دوره سلاجقه دانست. برخی از وزرای سلجوقی در این دوره توجهات خاصی به شهر کاشان داشته اند و به سبب این توجهات، توسط ابوالرضا راوندی مدح شده اند. قوام الدین ابوالقاسم ناصر بن علی درگزینی از وزیران دربار سلاجقه است (ر.ک: قمی، ۱۳۶۳: ۱-۲۷؛ ظهیری نیشابوری، ۱۳۳۲: ۵۵) که ابوالرضا راوندی در چند قصیده او را مدح کرده است. شرف الدین ابونصر انوشروان بن خالد، از شخصیت های سیاسی دوران سلاجقه است که در دربار سلاجقه دارای نفوذ بوده است. کاشانی بودن و شیعه بودن او باعث شده تا از نفوذ خود در حمایت از این شهر استفاده کرده و ممدوح ابوالرضا راوندی نیز باشد (ر.ک: قمی، ۱۳۸۸، مقدمه: ۱۳؛ راوندی، ۱۳۶۴: ۲۲۴؛ کاتب اصفهانی، ۲۰۰۴: ۲۸۲-۲۸۶). راوندی در ابتدای قصیده خود در مورد این وزیر سلجوقی از او با عنوان دوست یاد می کند.

خلیلی ان لم تسعدا فدعانی فدونکما نادى الهوى فدعانی

(راوندی، ۱۳۳۴: ۱۵-۱۸)

بنابر آنچه در این قسمت ذکر شد، می توان چنین نتیجه گرفت که اگرچه سابقه تشیع شهر کاشان تا حدودی باعث کم لطفی حکام سلاجقه به این شهر شده بود، حضور شخصیت های قدرتمند و تأثیرگذار شیعی چه در شهر کاشان و چه در دربار سلاجقه و حمایت آن ها از این شهر باعث شده بود تا در دوره سلاجقه، شهر کاشان جایگاه نسبتاً مطلوب سیاسی و اجتماعی در بین شهرهای ایران داشته باشد. همچنین حمایت های مادی و معنوی این افراد در این دوره در شهر کاشان از شخصیت های علمی آن از جمله ابوالرضا راوندی، یکی از دلایل توفیق چنین شخصیتی در روایت نهج البلاغه و دیگر میراث شیعی در دورانی است که سلاجقه سنی مذهب بر قسمت بزرگی از جهان اسلام غلبه دارند.

۴. سیاست های مذهبی سلاجقه

از آنجاکه موضوع مورد توجه در این پژوهش بررسی تاریخی نقش ابوالرضا راوندی در روایت نهج

البلاغه به‌عنوان یکی از متون شیعی در دوره غلبه حکام سنی‌مذهب سلجوقی است، شایسته است اشاره‌ای کوتاه به سیاست‌های مذهبی سلاجقه داشته باشیم. استقرار سلاجقه بر جهان اسلام به‌ویژه پس از دوران حکومت آل‌بویه شیعی‌مذهب، حمایت گسترده سلاطین این حکومت از مذاهب اهل سنت خاصه مذهب حنفی را در پی داشت؛ به‌طوری‌که سلاطین حنفی مذهب سلجوقی در ترویج مذهب خود از خون‌ریزی و کشتار مخالفان خود و پیروان دیگر مذاهب کوتاهی نمی‌کردند و حامیان آن‌ها نیز در تأیید حقانیت این مذهب ندای هاتف آسمانی را دستاویز خود قرار می‌دادند (ر.ک: راوندی، ۱۳۶۴: ۱۷). این حکام در پیشبرد اهداف خود حتی برخی موارد به کشتار پیروان سایر مذاهب اهل سنت نیز دستور می‌دادند و در تصدی مناصب حکومتی توسط حنفی‌مذهب‌ها تأکید داشتند (ر.ک: همان: ۱۸).

در این دوره، عموم بزرگان مذاهب اهل سنت ضد فرقه‌های شیعه موضعی خصمانه داشتند؛ به‌ویژه اینکه به شیعیان امامیه و اسماعیلیه به‌عنوان یک پدیده سیاسی می‌نگریستند. شیعیان قوی‌ترین گروه اصولی و فرهنگی دنیای اسلام بودند که در این دوران پشتوانه سیاسی خود (آل‌بویه) را از دست داده بودند و با شیوه مبارزات منفی و مخفی، یعنی نفوذ در دستگاه‌های اداری و اجرایی حضور خود را تحمیل می‌کردند (حلمی، ۱۳۹۳: ۱۵۳-۱۵۴). چنین شرایط مذهبی و اجتماعی حاکم در دوره سلاجقه اهمیت هرچه بیشتر اقدامات و فعالیت‌های علمای شیعه در این دوره را نمایان‌تر می‌ساخت؛ علمایی که هم از جهت سیاسی و هم از جهت مذهبی نه‌تنها مناسبات مطلوبی با دستگاه حاکم نداشتند بلکه نقطه مقابل آن نیز محسوب می‌شدند.

اگرچه سیاست اصلی مذهبی سلاجقه حمایت از مذهب حنفی بود، در طول دوران حکومت خود سیاست مذهبی یکنواختی نداشتند. اختلافات مذهبی اهل سنت در این دوره از نهاد قدرت سرچشمه می‌گرفت که سلاطین سلجوقی از حنفیان حمایت می‌کردند و برخی چون خواجه نظام‌الملک از شافعیان. سخت‌گیری سلاجقه بر شیعیان نیز بیشتر مربوط به دوران اولیه حکومت آن‌ها و برای تثبیت حکومت و قدرت بوده و در ادامه حکومت خود سلاجقه سیاست تسامح را در رابطه با شیعیان در پیش گرفتند (ر.ک: منظورالاجداد، ۱۳۹۹: ۳۷۸-۴۰۶؛ یعقوبی، ۱۳۹۴: ۲۳-۲۵).

۵. سفرها و استادان ابوالرضا راوندی

با توجه به آنچه درباره شرایط سیاسی و اجتماعی کاشان و همین‌طور غلبه سلاجقه بر ایران بیان شد، آنچه اهمیت پیدا می‌کند، نقش برجسته برخی رجال برجسته شیعه در این دوره در انتقال میراث شیعی است. در این دوره حساس تاریخی برای شیعیان با وجود غلبه سلاجقه، برخی از

علمای شیعه با تحمل سختی‌های فراوان، از هیچ کوششی برای حفاظت و ترویج فرهنگ شیعی کوتاهی نکردند. در این میان، نقش ابوالرضا راوندی به عنوان یکی از راویان اصلی نهج البلاغه در قرن ششم هجری از دو جهت ستودنی و قابل بررسی است. از یک طرف، سفر او به مناطق مختلف و بهره‌مندی از استادان برجسته زمان خود که به نحو مطلوبی به روایات نهج البلاغه دسترسی داشتند و دستیابی او به نسخه‌های معتبر نهج البلاغه و از طرف دیگر، پرورش و تربیت شاگردان و اجازات او به راویان نهج البلاغه. راوندی برای کسب علم و دستیابی به نسخ اصلی نهج البلاغه، به شهرهای مختلف مثل قم، اصفهان، نیشابور، بیهق، مکه، مدینه، بغداد، نجف، ری و... سفر کرد و در این سفرها از محضر استادان برجسته‌ای همچون مکی بن احمد، ابن‌الاکوه و محمد مقری نیشابوری کسب فیض نمود (ر.ک: راوندی، ۱۳۷۷: ۳۸؛ مرعشی نجفی، بی تا: ۴۷). در این سفرها بسیاری از علمای شیعه و سنی از جمله علمایی که معاصر وی بوده و با شخصیت علمی او آشنا بوده‌اند، از شخصیت علمی و فضل وی یاد کرده و او را ستوده‌اند (ر.ک: راوندی، ۱۳۷۷: ۴۲؛ مرعشی نجفی، بی تا: ۲۹-۳۴؛ شاه‌نظری، ۱۳۹۱: ۶۳) که این مسئله نشان‌دهنده جایگاه برجسته علمی ابوالرضا به طور کلی و برجستگی او به طور خاص در روایت نهج البلاغه است.

اگرچه اطلاعات کامل و دقیقی از سفرهای ابوالرضا به شهرهای مختلف در دسترس نیست، با توجه به روایات او از استادان مختلف و همچنین اجازات وی از آن‌ها می‌توان دریافت که ابوالرضا به شهرهای محل سکونت این افراد سفر داشته و چنان‌که مرسوم بوده از محضر این علما استفاده کرده و میراث گوناگون فرهنگی شیعه به‌ویژه نهج البلاغه را از آن‌ها روایت کرده است.

۶. جایگاه ابوالرضا راوندی در روایت نهج البلاغه

بخش مهمی از خدمات ابوالرضا به فرهنگ تشیع، روایت میراث حدیثی گذشتگان شیعه و انتقال آن به نسل آینده است؛ تا آنجا که وی به عنوان پل ارتباطی برای انتقال این میراث به آیندگان تلقی می‌شود (ر.ک: قاسم‌پور، ۱۳۹۸: ۵۸)؛ پلی که میراث شیعی دوره حکومت آل‌بویه شیعه‌مذهب و دوران قبل از آن را از دوران سلاجقه سنی‌مذهب به دوره‌های بعدی منتقل می‌کند. ابوالرضا گاهی تقویت‌کننده اسناد انتقال این میراث به آیندگان و در برخی موارد، راوی این میراث فرهنگی است (ر.ک: همان: ۵۸؛ رحمتی، ۱۳۹۷: ۸۵).

ابوالرضا راوندی نقش مهمی در روایت آثار مختلف سید رضی و سید مرتضی علم‌الهدی از جمله نهج البلاغه داشته است (ر.ک: رحمتی، ۱۳۹۷: ۸۵). نکته مهم‌تر در بررسی آثار این دو برادر به روایت ابوالرضا راوندی آن است که نسخه‌های آثار این دو برادر به روایت ابوالرضا راوندی



عموماً از نسخه‌های دیگر متداول تفاوت داشته و او تحریرهای کامل‌تر و متأخرتر آثار دو برادر را در اختیار داشته است. نسخه‌های بسیار کهن آثار سید مرتضی و رضی موجود، نسخه‌هایی هستند که از روی نسخه‌های سید ابوالرضا راوندی کتابت شده و نزد او سماع شده که از میان این نسخه‌ها، نسخه‌ای کهن از *خصائص الأئمة، نهج البلاغه و تلخیص البیان* سید رضی و *مالی* سید مرتضی را می‌شناسیم. بررسی این نسخه‌ها دلالت بر این دارد که ابوالرضا راوندی گاه تحریرهای کامل‌تری از آثار دو برادر را در اختیار داشته است. بر این اساس در تصحیح آثار سید رضی و مرتضی باید در جست‌وجوی نسخه‌های خطی رفت که از لحاظ سنت روایت متن، به روایت ابوالرضا راوندی باشد (همان: ۸۵).

ابوالرضا راوندی چه در سفر به مناطق مختلف و چه در زادگاه خود شهر کاشان برای آموختن و دسترسی به نسخ اصلی *نهج البلاغه* از محضر استادان فراوانی، چه شیعه و چه اهل سنت، بهره برد و از بسیاری از آن‌ها اجازه روایت *نهج البلاغه* را دریافت کرد. در جدولی که در ادامه مقاله آمده، نام استادان ابوالرضا در روایت *نهج البلاغه* ذکر شده است. استقرار حکومت سلاجقه سنی‌مذهب و قدرت گرفتن اهل سنت در شهرهای مختلف پس از انقراض آل‌بویه نتوانست مانعی جدی در برابر سفرهای ابوالرضا برای کسب علم و دستیابی به نسخ *نهج البلاغه* باشد. شهر اصفهان که برای مدتی در دوره سلاجقه مرکز حکومت نیز بود (راوندی، ۱۳۶۴: ۶۷) و نه تنها با شیعیان که مخالف مذهب رسمی حکومت بودند، بلکه مذاهب مختلف اهل سنت نیز در این دوره در این شهر درگیری‌های مذهبی فراوانی داشتند (ر.ک: یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۱: ۲۰۹). به جهت جایگاه علمی و حدیثی برجسته این شهر از طرفی و از طرف دیگر، نزدیکی جغرافیایی آن به شهر کاشان یکی از مهم‌ترین شهرهایی بود که ابوالرضا راوندی برای کسب علم به آن شهر سفر کرد (ر.ک: ذهبی، ۱۴۰۵ق: ۱۱۵). ابونصر غازی (ح ۴۴۸-۵۴۲ق) از محدثان برجسته اصفهان در نیمه اول قرن ششم که آثار به‌جای‌مانده از وی نشان‌دهنده گرایش فکری او به اهل حدیث اهل سنت است (ر.ک: سمعانی، ۱۹۶۲، ج ۱: ۵؛ سلامی دمشقی، ۱۴۲۰ق: ۱۵۳)، از جمله استادان ابوالرضا راوندی و از مشایخ وی در روایت *نهج البلاغه* است که ابوالرضا راوندی از وی اجازه روایت *نهج البلاغه* را گرفته است. براساس گزارش افندی از نسخه‌ای از کتاب *مالی* سید مرتضی، ابوالرضا راوندی به‌واسطه ابونصر غازی از ابومنصور عکبری از سید مرتضی روایت کرده است (افندی، ۱۴۲۷ق: ۴۵۷-۴۵۸؛ عطاردی، ۱۴۰۱ق: ۱۳).

ابوالفضل عبدالرحیم بن احمد بن محمد ابن‌الآخوه البغدادی (ح ۴۸۳-۵۴۸ق) یکی دیگر از

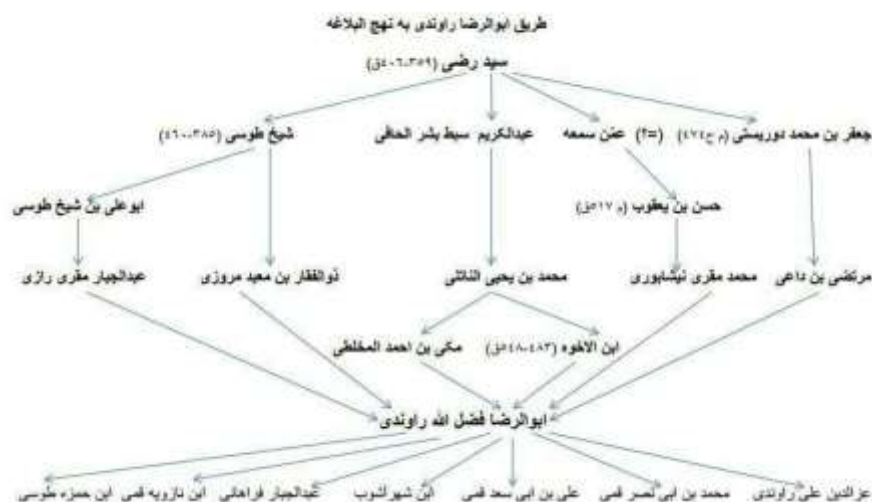


استادان اهل سنت ابوالرضا راوندی در شهر اصفهان برای روایت نهج البلاغه است (برای توضیحات بیشتر در رابطه با ابن الاخوه رک: جزینی، ۱۳۹۸: ۸۳-۸۴). ابوالرضا در سفرهایی که به اصفهان داشته با ابن الاخوه در ارتباط بوده و در خلال این ارتباط از وی اجازه روایت نهج البلاغه را گرفته است، غیر از سفر به اصفهان ابوالرضا با ابن الاخوه مکاتباتی هم داشته‌اند (ر.ک: کاتب اصفهانی، ۲۰۰۴، ج ۳: ۱۷۳ و ۲۰۸). چنین روابطی میان علمای شیعه و اهل سنت در این دوره نشان‌دهنده این مطلب است که اگرچه رقابت‌ها میان عوام مردم در گرایش‌های مختلف مذهبی در این دوره شدید و در برخی موارد همراه با تعصب فراوان است (حتی در بین مذاهب اهل سنت)، در مجامع علمی و میان علمای مذهبی عموماً چیزی جز رابطه علمی و تبادل نظر علمی حاکم نیست؛ به‌طوری‌که دو شخصیت فوق‌الذکر از استادان برجسته ابوالرضا در روایت نهج البلاغه در این دوره هستند. در همین دوره و در چنین فضایی است که شخصیت علمی ابوالرضا نه تنها توسط علمای شیعه‌مذهب بلکه توسط برخی بزرگان اهل سنت این دوره نیز ستایش می‌شود (ر.ک: سمعانی، ۱۹۶۲، ج ۱۰: ۲۹۷-۲۹۸؛ کاتب اصفهانی، ۲۰۰۴، ج ۹: ۶۷-۶۸). نکته دیگری که درباره کتاب ارزشمند نهج البلاغه نیازمند توجه و دقت نظر است، آن است که این کتاب همچون دیگر متون حدیثی شیعه در این دوره مطرح نیست بلکه همان‌طور که از نام این اثر برمی‌آید، آنچه در روایت و نقل این اثر اهمیت بیشتری دارد، جدای از جایگاه و شخصیت حضرت امیر(ع) در میان همه مسلمانان، جنبه ادبی این کتاب است و شاید از همین روست که برخی استادان برجسته ابوالرضا راوندی در روایت این اثر ارزشمند همچون ابوالفضل عبدالرحیم بن احمد بن محمد بن الاخوه البغدادی و ابونصر غازی از علمای اهل سنت این دوره هستند (افندی، ۱۴۲۷ق: ۴۵۷-۴۵۸؛ جزینی، ۱۳۹۸: ۸۳-۸۴)؛ مسئله‌ای که نمونه آن را در روایت دیگر متون حدیثی شیعه یا نمی‌بینیم یا خیلی به‌ندرت می‌توان از آن یاد کرد. لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که جایگاه ویژه حضرت امیر(ع) در میان عامه مسلمانان و توجه خاص علمای اهل سنت در این دوره به کتاب نهج البلاغه به‌رغم غلبه حکام سلاجقه سنی‌مذهب بر جهان اسلام تا حد زیادی کار ابوالرضا راوندی در دسترسی به نسخ و روایات اصیل نهج البلاغه را آسان کرده بود. از این رو می‌توان گفت در شرایط سیاسی و مذهبی حاکم در عصر سلجوقی، روایت نهج البلاغه و انتقال این میراث شیعی برای نسل‌های بعدی در مقایسه با دیگر متون شیعی حساسیت کمتری در فضای مذهبی جامعه اهل سنت در این دوره داشته است.

اگرچه تاکنون در میان نسخه‌های موجود نهج البلاغه، نسخه‌ای که به خط ابوالرضا راوندی باشد شناسایی نشده، چندین نسخه خطی نفیس و کهن در کتابخانه‌های مختلف موجود است که یا

با نسخهٔ ابوالرضا راوندی مقابله شده یا از روی نسخهٔ او کتابت شده است. برای نمونه، نسخه‌ای به خط عبدالجبار بن حسین بن ابی‌القاسم حاجی فراهانی در سال ۵۵۳ از روی نسخهٔ ابوالرضا راوندی زمانی که در قریهٔ جوشقان راوند بوده کتابت شده و پس از آن بر وی خوانده شده است. این نسخه در کتابخانهٔ رامپور هند به شمارهٔ ۱۱۹۰ نگهداری می‌شود و فیلم آن به شمارهٔ ۵۰۴۶ در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران موجود است. همچنین نسخه‌ای به خط محمد بن محمد بن عباس قمی در سال ۵۵۶ مقابله شده و در سال ۵۷۱ ابوالرضا راوندی آن را خوانده و چند خط بر آن افزوده است. این نسخه در کتابخانهٔ موزهٔ بغداد به شمارهٔ ۳۷۸۴ نگهداری می‌شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۸: ۷۴؛ موسوی بروجردی، ۱۴۳۳: ۷۹).

در این مقاله به دنبال آن نیستیم تا یکایک استادان و شاگردان ابوالرضا راوندی را در روایت نهج البلاغه معرفی کنیم؛ اما به طور کلی و مطابق جدول ذیل می‌توان نقش ابوالرضا راوندی در روایت نهج البلاغه را در دوره غلبه سلاجقه بر جهان اسلام تبیین و استادان و شاگردان وی را معرفی نمود. ابوالرضا با دریافت روایت‌های مختلف نهج البلاغه از استادان خود و انتقال آن به نسل بعد از خود به‌عنوان واسطه‌ای ارزشمند، موجبات انتقال این قسمت از فرهنگ شیعی را در دوره غلبه سلاجقه سنی‌مذهب فراهم آورده است.



براساس جدول فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که ابوالرضا راوندی با کمترین واسطه، روایت‌های مختلف *نهج البلاغه* را از سید رضی دریافت و آن را برای شاگردان و نسل بعد از خود روایت کرده است. نکتهٔ درخور توجه براساس جدول فوق در رابطه با استادان و شاگردان ابوالرضا



در روایت نهج البلاغه، این نکته است که ابوالرضا در گرفتن روایات نهج البلاغه از علمای شیعه و سنی استفاده کرده ولی فقط نهج البلاغه را برای علمای شیعه روایت کرده است؛ چراکه عموم شاگردان ابوالرضا در روایت نهج البلاغه شیعیانی بوده‌اند که در منطقه کاشان یا اطراف آن حضور داشته‌اند و با دریافت روایت‌های ابوالرضا از نهج البلاغه آن را برای نسل‌های شیعی بعد از خود روایت کرده‌اند. شیعیانی که در روایت و نقل نهج البلاغه تنها به جنبه ادبی و بلاغی این کتاب توجه ندارند بلکه به عنوان یکی از مهم‌ترین میراث مذهبی شیعه به این اثر توجه دارند و در حفظ و نقل آن کوشا هستند.

در این دوره و با غلبه سلاجقه بر قسمت اعظم ایران، اگرچه حکام شیعه‌مذهب و حمایت مستقیم آن‌ها از علمای شیعه وجود ندارد، حمایت برخی شخصیت‌های برجسته و متمول شیعه از علمای این مذهب در توسعه فعالیت‌های فرهنگی شیعیان بی‌تأثیر نیست. نمونه برجسته این مورد در رابطه با فعالیت‌های ابوالرضا راوندی را می‌توان در حمایت‌های برخی رجال شهر شیعی کاشان از وی جست‌وجو کرد (ر.ک: راوندی، ۱۳۳۴: ۱۴۱-۱۴۲ و ۱۹۸). همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، دیوان ابوالرضا راوندی مهم‌ترین منبع تاریخی این دوره در رابطه با شهر کاشان است. براساس گزارش‌های ابوالرضا در این کتاب، مجدالدین ابوالقاسم عبیدالله بن فضل بن محمود (م ۵۳۵ق) از رجال بزرگ زمان خود بوده که علاوه بر جایگاه مذهبی و دینی، شخصی ثروتمند بوده و این ثروت خود را در جهت خدمت به خلق به کار گرفته است. قسمت زیادی از مدحیات ابوالرضا در دیوان خود در رابطه با این شخصیت و اقدامات عام‌المنفعه اوست (ر.ک: همان: ۵۳، ۹۴، ۹۹، ۱۲۵ و ۱۲۷). یکی از اقدامات مجدالدین راوندی براساس گزارش دیوان ابوالرضا، بنای مدرسه‌ای در شهر کاشان با نام مدرسه مجدیه است. آنچه از یکی از قصیده‌های دیوان ابوالرضا برداشت می‌شود این است که در این مدرسه در قرن ششم استادان و احتمالاً دانشجویان مقرری دریافت می‌کرده‌اند و این مقرری از محل درآمد اوقاف مدرسه تأمین می‌شده است (ر.ک: همان: ۱۴۱-۱۴۲ و ۱۹۸). چنین گزارش‌هایی ضمن بیان اهمیت جایگاه مسئله آموزش در میان جامعه شیعیان در قرن ششم هجری و هم‌زمان با غلبه حکام سنی مذهب و سخت‌گیری‌هایی که بر شیعیان در این دوره اعمال می‌شده است، نقش رجال برجسته و متمول شیعه در حمایت از علمای این مذهب و همین‌طور توسعه فعالیت‌های علمی و فرهنگی بیان می‌کند. قطعاً ابوالرضا راوندی که رابطه نزدیکی با مجدالدین کاشانی داشته، در انجام فعالیت‌های مختلف علمی و فرهنگی خود به‌ویژه در روایت نهج البلاغه از کمک‌های این شخصیت بهره‌مند بوده است.

۷. نتیجه‌گیری

غلبه سلاجقه بر جهان اسلام و انقراض حکومت شیعه‌مذهب آل‌بویه، از جهت مذهبی شرایط سختی را برای شیعیان ایجاد کرد. علمای شیعه که پیش از این دوره، در سایه حمایت حکام آل‌بویه بسیاری از میراث فرهنگی این مذهب را تدوین کرده بودند، لازم بود تا در این دوره و به‌رغم حمایت رسمی حکام از مذاهب اهل سنت، این میراث شیعی را به نسل‌های بعد منتقل سازند. نقش برخی علمای شیعه در این دوره در جهت به ثمر رساندن این وظیفه بسیار پررنگ است. از جمله این شخصیت‌ها ابوالرضا راوندی بود که نقش او در انتقال میراث شیعی به‌ویژه نهج البلاغه بسیار ارزشمند است.

ابوالرضا راوندی با وجود حمایت حکام معاصر از مذاهب اهل سنت و همچنین درگیری‌های مذهبی موجود در این دوره از فعالیت‌های علمی خود نکاست و با حمایت برخی رجال متمول شیعی شهر کاشان نقش برجسته‌ای در انتقال این میراث شیعی به نسل بعد از خود داشت. ابوالرضا با سفر به شهرهای مختلف و بهره‌گیری از علما و بزرگان مذهبی، چه شیعه و چه اهل سنت و تعامل علمی با آنها، توانست در کنار برقراری رابطه علمی با پیروان همه مذاهب اسلامی به نسخه‌ها و روایت‌های معتبر نهج البلاغه دسترسی پیدا کند و با استنساخ آنها به آموزش و انتقال این میراث ارزشمند شیعی به نسل‌های بعد از خود بپردازد. فعالیت‌های ابوالرضا در زمینه روایت نهج البلاغه در این دوره او را به یکی از معتبرترین و مهم‌ترین راویان نهج البلاغه در دوره حکومت سلاجقه سنی‌مذهب مبدل ساخت؛ به‌طوری‌که روایت این شخصیت از نهج البلاغه یکی از کامل‌ترین و مستندترین روایات نهج البلاغه است. نقش تاریخی ابوالرضا در انتقال این میراث شیعی به نسل بعد از خود، وقتی برجسته‌تر و متمایزتر می‌شود که بدانیم این اقدام او در دوره‌ای انجام شده که حکومت سلاجقه بر قسمت زیادی از جهان اسلام حکومت داشت و در برخی مواقع به‌شدت از مذاهب و علمای اهل سنت حمایت می‌کند.

منابع

- افندی، میرزا عبدالله. (۱۴۲۷ق). *الفوائد الطریفه*. تحقیق مهدی رجائی. قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی.
- جزینی، رسول. (۱۳۹۸). نکاتی درباره روایت نهج البلاغه در اصفهان (قرن ۶-۷ هجری) (محمد بن عبدالواحد المدینی و اسعد بن شفروه اصفهانی). فصلنامه میراث شهاب، شماره ۹۸، ۷۷-۱۱۸.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۷). *تاریخ تشیع در ایران*. تهران: نشر علم.



حلمی، احمد کمال‌الدین. (۱۳۹۳). *دولت سلجوقیان*. ترجمه و اضافات عبدالله ناصری طاهری با همکاری حجت‌الله جودکی و فرحناز افضلی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۰۵ق). *الامصار ذوات الآثار*. دمشق: دار ابن کثیر.

راوندی، ابوالرضا فضل‌الله بن علی. (۱۳۳۴). *دیوان*. تصحیح جلال‌الدین محدث ارموی. تهران: چاپخانه مجلس.

راوندی، ابوالرضا فضل‌الله بن علی. (۱۳۷۷). *النوادر*. تحقیق سعید رضا علی عسکری. قم: دارالحديث.

راوندی، محمد بن علی. (۱۳۶۴). *راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق*. تصحیح محمد اقبال و مجتبی مینوی. تهران: امیرکبیر.

رحمتی، محمدکاظم. (۱۳۹۷). *درآمدی بر شناخت نسخه‌های نهج البلاغه*. تهران: دانشگاه مذاهب اسلامی.

سلامی دمشقی، محمد بن رافع. (۱۴۲۰ق). *تاریخ علمای بغداد*. بیروت: الدار العلمیة للموسوعات.

سلامی راوندی، محمد. (۱۳۹۶). *بررسی ویژگی‌های حوزه حدیثی امامیه کاشان تا پایان قرن ششم هجری*. رساله دکتری، دانشگاه کاشان.

سمعانی، عبدالکریم بن محمد. (۱۹۶۲م). *الانساب*. تحقیق عبدالرحمن بن یحیی معلمی. حیدرآباد: مجلس دایرةالمعارف العثمانیه.

شاهنظری، حسین. (۱۳۹۱). *درنگی در ضوء الشهاب و دست‌نوشته‌های آن*. فصلنامه آئینه پژوهش، شماره ۱۳۶ و ۱۳۵، ۶۲-۶۹.

شوشتری، نورالله بن شریف‌الدین. (۱۳۷۷). *مجالس المؤمنین*. تصحیح احمد عبد منافی. تهران: اسلامیه.

صادقی، مصطفی. (۱۳۸۶). *کاشان در مسیر تشیع*. قم: شیعه‌شناسی.

صادقی علوی، محمود. (۱۳۹۹). *دیوان ابوالرضا راوندی تاریخ محلی کاشان در قرن ششم هجری*. فصلنامه علمی پژوهشی *تاریخ اسلام*، ۱۰ (۳۸)، ۷۱-۹۰.

صباغی مرقی، محمد مهدی. (۱۳۹۹). *بازشناسی شخصیت و آثار سید ابوالرضا راوندی از جنبه حدیثی و قرآنی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور کاشان.

صحیحی، علیرضا. (۱۳۹۲). *اغراض شعری و آرایه‌های بلاغی در دیوان ابوالرضا راوندی*. پژوهشنامه کاشان، شماره ۲، ۱۴۶-۱۶۱.



طباطبایی، سید عبدالعزیز. (۱۳۷۸). نسخه‌های نفیس نهج البلاغه، تصحیح و اضافات سید احمد حسینی اشکوری. فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۲۵ و ۲۶، ۷۲-۸۹.

ظهیری نیشابوری، ظهیرالدین. (۱۳۳۲). سلجوقنامه. تهران: کلاله خاور.

عطاردی، عزالدین. (۱۴۰۱). اجازات و اسناد نهج البلاغه. حیدرآباد.

قاسم‌پور راوندی، محسن و سلامی راوندی، محمد. (۱۳۹۸). نقش سید ابوالرضا راوندی در گسترش میراث حدیثی شیعه. دوفصلنامه علمی کاشان‌شناسی، شماره ۱۴، ۵۵-۸۰.

قمی، حسن بن محمد. (۱۳۸۵). تاریخ قم. تحقیق محمدرضا انصاری قمی. قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.

قمی، نجم‌الدین ابوالرجا. (۱۳۶۳). تاریخ الوزراء. تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

قمی، نجم‌الدین ابوالرجا. (۱۳۸۸). ذیل نفثه المصنوع. تصحیح حسین مدرسی طباطبایی. تهران: مجلس شورای اسلامی.

کاتب اصفهانی، عمادالدین. (۲۰۰۴). تاریخ دوله آل سلجوق. تصحیح یحیی مراد. بیروت: دارالعلمیه.

لطفی، سعید. (۱۴۰۲). نقش ابوالرضا راوندی در روایت نهج البلاغه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور کاشان.

مرعشی نجفی، شهاب‌الدین. (بی‌تا). لمعه النور و الضیاء فی ترجمه السید ابی‌الرضا. به اهتمام فخرالدین نصیری امینی. چاپخانه حیدری، بی‌جا.

منظورالاجداد، سید محمدحسین. (۱۳۹۹). امامیه در عصر سلجوقیان، حیات سیاسی-اجتماعی و فرهنگی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

موسوی، سید امیر الیاس. (۱۳۹۹). نقش رجال راوندی در کاشان عصر سلاجقه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور کاشان.

موسوی بروجردی، سید حسن. (۱۴۳۳ق). نسخه نهج البلاغه به روایت السید الراوندی. فصلنامه تراثنا، شماره ۱۰۹ و ۱۱۰، ۷۶-۲۵۴.

مهریزی، مهدی. (۱۳۷۸). میراث حدیث شیعه. قم: دارالحديث.

نجاشی، ابو‌العباس احمد بن علی. (۱۴۰۸ق). رجال. تحقیق محمدجواد نائینی. بیروت: دارالاضواء.

هاشمی سن سنی، زینب. (۱۴۰۲). نقش ابوالرضا راوندی در تاریخ تشیع. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور کاشان.



یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله. (۱۹۹۵). *معجم البلدان*. بیروت: دار صادر.

یعقوبی، محمدطاهر. (۱۳۹۴). *حیات علمی و فرهنگی شیعیان امامیه از قرن پنجم تا نیمه قرن هفتم قمری*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

References

- Atardi, E. (1992). *Permissions and Documents of Nahjul Balagha*. Hyderabad. [In Persian]
- Effendi, M. (1427 AH). *Al-Fawaed Al-Tarifa*. Research by Mahdi Rajai. Qom: Maktaba Ayatollah Al-Mar'ashi. [In Arabic]
- Ghasempour Rawandi, M., & Salami Rawandi, M. (2019). *The role of Sayyid Abu al-Reza Rawandi in the development of Shiite Hadith heritage*. *Kashan Studies Bi-Quarterly*, 14, 55–80. [In Persian]
- Hashemi-San-Sani, Z. (1402). *The role of Abu al-Rida Rawandi in the history of Shiism* (Master's thesis). Payam Noor University of Kashan. [In Persian]
- Hilmi, A. (1393). *The Seljuk empire*. Translated and supplemented by Abdullah Naseri Taheri, with Hojjatollah Jodaki & Farahnaz Afzali. Hawza and University Research Institute. [In Persian]
- Jafarian, R. (1387). *History of Shiism in Iran*. Tehran: Nashr Alam. [In Persian]
- Jazini, R. (1398). *Notes on the narration of Nahjul-Balagha in Isfahan (6th–7th centuries AH): Muhammad ibn Abdul-Wahed Al-Madini and As'ad ibn Shafaroh Isfahani*. *Miras Shahab Quarterly*, 98, 118–177. [In Persian]
- Kateb Isfahani, E. (2004). *History of the Seljuk empire*. Edited by Yahya Murad. Beirut: Dar al-Ilamiyah. [In Persian]
- Lotfi, S. (1402). *The role of Abu al-Rida Rawandi in the narration of Nahjul-Balagha* (Master's thesis). Payam Noor University of Kashan. [In Persian]
- Manzoor al-Ajdad, M. (1399). *Imamiyyah in the Seljuq era: Political, social, and cultural life*. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. [In Persian]
- Marashi Najafi, Sh. (1389). *Encyclopedia of Allama al-Marashi*. Care of Muhammad Esfandiari & Hussein Taghizadeh. Qom: Maktaba Ayatollah al-Marashi al-Najfi. [In Arabic]
- Marashi Najafi, Sh. (n.d.). *Lumaa' al-Nur wa al-Diya fi tarja al-Sayyid Abi al-Rida*. Care of Fakhr al-Din Nasiri Amini. Heydari Printing House. [In Arabic]
- Mehrizi, M. (1378). *The legacy of Shiite hadith*. Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
- Mousavi Borujerdi, H. (1433 AH). *A version of Nahjul-Balagha narrated by Sayyid Rawandi*. *Turathna Quarterly*, 109–110, 254–276. [In Arabic]
- Mousavi, A. (1399). *The role of Rawandi's men in Kashan during the Seljuk era* (Master's thesis). Payam Noor University of Kashan. [In Persian]
- Najashi, A. (1408 AH). *Mentions*. Researched by Muhammad Javad Naini. Beirut: Dar al-Adwaa. [In Arabic]
- Qomi, H. (2006). *History of Qom*. Research by Mohammad Reza Ansari Qomi. Qom: Grand Library of Grand Ayatollah Marashi Najafi. [In Persian]
- Qomi, N. (2004). *History of the ministers*. Edited by Mohammad Taqi Daneshpajouh. Tehran: Ministry of Culture and Higher Education, Institute for Cultural Studies and Research. [In Persian]



- Qomi, N. (2009). *Dhil Nafta al-Masdur*. Edited by Hossein Modarresi Tabatabaei. Tehran: Islamic Consultative Assembly. [In Persian]
- Rahmati, M. (2018). *An introduction to the understanding of the manuscripts of Nahjul al-Balagha*. Tehran: University of Islamic Sciences. [In Persian]
- Rawandi, A. (1334). *Diwan*. Edited by Jalal al-Din Muhaddith Ermavi. Tehran: Majles Printing House. [In Arabic]
- Rawandi, A. (1998). *Al-Nawadir*. Research by Saeed Reza Ali Askari. Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Rawandi, M. (1985). *Raha' al-Sudur and the verse of As-Surur in the history of the Seljuq dynasty*. Edited by Muhammad Iqbal & Mujtaba Minovi. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Sabbaghi Marghi, M. (2019). *Recognizing the personality and Quranic and Hadith works of Seyed Abolreza Rawandi* (Master's thesis). Payam Noor University of Kashan. [In Persian]
- Sadeghi Alavi, M. (2019). *Divan Abu'l-Reza Rawandi: Local history of Kashan in the sixth century AH*. *Scientific Research Quarterly of Islamic History*, 10(38), 71–90. [In Persian]
- Sadeghi, M. (2007). *Kashan on the path to Shiism*. Qom: Shiism Studies. [In Persian]
- Sahihi, A. (2013). *Poetic purposes and rhetorical arrangements in the Divan of Abolreza Rawandi*. *Kashan Research Journal*, 2, 146–161. [In Persian]
- Salami Dimashqi, M. (1998). *History of the scholars of Baghdad*. Beirut: Dar al-Ilmiyah Iulumwasuat. [In Arabic]
- Salami Rawandi, M. (2019). *A study of the characteristics of the Imamiyyah hadith school of Kashan until the end of the sixth century AH* (PhD thesis). University of Kashan. [In Persian]
- Samaani, A. (1962). *Ansab*. Research by Abdur Rahman bin Yahya Moalemi. Hyderabad: Majlis Dairatul-Ma'arif al-Uthmaniyyah. [In Arabic]
- Shahnazari, H. (2012). *A pause in the light of the meteors and their manuscripts. Ayenah Pajoush*, 135–136, 62–96. [In Persian]
- Shushtari, N. (1998). *Majalis al-Mu'minin*. Edited by Ahmad Abd Manafi. Tehran: Islamia. [In Persian]
- Tabatabaei, S. (1999). *Exquisite copies of Nahjul Balagha. Quarterly Endowment of Eternal Legacy*, 25–26, 72–89. [In Persian]
- Yaqubi, M. (2015). *The scientific and cultural life of the Imamiyya Shiites from the Fifth Century to the Mid-Seventh Century*. Qom: Seminary and University Research Center. [In Persian]
- Yaqut Hamwi, Y. (1995). *Mu'jam al-Buldan*. Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
- Zahabi, M. (1405 AH). *Al-Amsar Dhu'at-Athar*. Damascus: Dar Ibn Kathir. [In Arabic]
- Zahiri Neyshaburi, Z. (1953). *Seljuqnameh*. Tehran: Kalaleh Khavar. [In Persian]

Historical Study of the Role of Abu al-Rreza Rawandi in the Narration of Nahjul-Balagha



Mahmoud Sadeghi Alavi

Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Payame Noor University, Tehran, Iran; Email: Alavi@pnu.ac.ir

Received: 20/09/2024

Accepted: 22/11/2024

Extended Abstract

Introduction

Nahjul-Balagha, as one of the valuable Shiite legacies, has always been one of the books of interest to Muslim scholars. Thus, this research has undertaken a historical study of the role of Abu al-Rida Rawandi in the narration of Nahjul-Balagha during the reign of the Sunni Seljuq rulers. This research is to answer this question: what role Abu al-Rida Rawandi played in the narration of Nahjul-Balagha during this period. A figure like Abu al-Rida Rawandi, as an educated man in the school of Ahl al-Bayt in the Shiite city of Kashan, took valuable steps towards the narration of Nahjul-Balagha, which will be considered in this context. This study is based on the hypothesis that Abu al-Rida Rawandi with the material and spiritual support of influential and wealthy Shiites in Kashan, despite the dominance of the Sunni Seljuk dynasty, traveled to various cities, including Isfahan, and after learning about the most important narrations of Nahjul al-Balagha, started narrating them to his students and the next Shiites generation.

Materials and Methods

Abu al-Reza Rawandi is a scholar whose works and activities in various fields are worthy of attention and importance. The fall of the Shiite Buyid dynasty and the establishment of the Seljuq dynasty in Iran drastically affected the history of Kashan. Since the Seljuq were Sunni, they naturally did not have a positive view of Shiite cities, including Kashan. Considering what has been said about the political and social conditions of Kashan and the Seljuq reign in Iran, some prominent Shiite men play a significant role in this period to transmit Shiite heritage. In this critical historical era for the Shiites, some Shiite scholars, despite great hardships, endeavored to protect and promote Shiite culture. Amongst them, Abu al-Rida Rawandi had a crucial role as one of the main narrators of Nahjul-Balagha in the sixth century AH. Many studies have been conducted about this figure and his works, yet in this study examines the historical role played by Abu al-Rida Rawandi in the narration of Nahjul-Balagha, using an analytical and comparative method.

Results

The Seljuq domination of Iran world after the fall of the Shiite Buyid dynasty created difficult religious conditions for the Shiites. Shiite scholars, who had compiled much of the Shiite cultural heritage under the support of Buyid rulers, tried their best to pass this Shiite heritage to the next Shiite generations during this period, despite official support for Sunni sects. One of the valuable achievements of the Shiites during the Buyid rule was the compilation of Nahj al-Balagha by Sayyid al-Radi.



The importance that this book gradually gained among the Shiites landed it as the second most important religious book among the Shiites after the Holy Quran. In different periods of Islamic history, the dominance of Sunni rulers over the Islamic world created many problems for the preservation and transmission of Shiite knowledge and culture. These conditions became doubled during the Seljuq rule and increased concerns regarding the preservation of Shiite valuable assets. Among these figures, Abu al-Rida Rawandi played a great role to transmit Shiite heritage, especially through narration of Nahj al-Balagha. Despite the dominance of Sunni rulers, Abu al-Rida Rawandi did not stop his scientific activities and, with the support of some wealthy Shiites of Kashan, did his best to transmit this Shiite heritage to the next generation. By traveling to different cities and interacting and learning from religious scholars and elders, both Shia and Sunni, Abu al-Rida became able to gain access to authentic versions and narrations of Nahjul-Balagha as he also established scientific relations with thinkers from all Islamic sects. Then he taught and transmitted this valuable knowledge to next generations. Abu al-Rida's activities in the field of narration of Nahjul-Balagha turned him into one of the most authoritative and important narrators of Nahjul-Balagha; as a result, his narration of Nahjul-Balagha is considered one of the most complete and documented narrations. Abu al-Rida's role becomes more prominent and distinctive when located in the historical and cultural context of the Seljuq rule.

Conclusion

This study showed that in a situation where the Sunni the Seljuq dominated Iran alongside the Abbasid caliphs and imposed harshest restrictions on Shiites scholars such as Abu al-Rida Rawandi, they accomplished their mission in transmitting and promoting this valuable Shiite heritage. Abu al-Rida Rawandi, with his extensive efforts during this period, was able to access various versions of Nahj al-Balagha possessed by various individuals, both Shiites and Sunnis, and learnt about them from his contemporary scholars, taught them to his students. In this way, it is claimed that, he helped preserve this valuable heritage for Shiites throughout subsequent historical periods.

Keywords: Abu al-Rida Rawandi, Kashan, Nahj al-Balagha, Seljuq, Shiite history.